

شهید مطهری، شخصیتی فرا مذهبی در تبیین مفاهیم تقریب



شهید مطهری، شخصیتی فرا مذهبی در تبیین مفاهیم تقریب

علی مقدس

حادثه تلخ ترور علامه شهید "مرتضی مطهری"، بار دیگر بستری فراهم نمود تا زوایا و جامعیت علمی ایشان در تحقق تقریب عملی، مورد واکاوی قرار گیرد.

گروهک فرقان که بر اساس فهم خوارج گونه خویش آیه "فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الْكُفْرِ..." را به علامه شهید تطبیق دادند، بی‌محابا او را مصداق پیشوای کفر بر شمرده و علامه را شهید کردند. این پرسش مطرح است که از نگاه تروریست‌های فرقان، چه سنخیت و قرابتی در مطهری و آیه مزبور وجود دارد؟ چه اوامری عصبانیت و خشم فرقان را در تکفیر و ترور علامه برانگیخت؟ پاسخ پرسش فوق را می‌توان در سیاست‌های عملی علامه در جهت تبیین و کاربرد سازی مفاهیم تقریب، جستجو کرد.

به روز رسانی مفاهیم تقریب توسط علامه مطهری که لوازم آن الهام گرفته از آراء نظری آیت اعلیٰ بروجردی(ره) و امام خمینی(ره) بود، سبب گردید اندیشمندان سنّی به علامه بسان شخصیتی فرا مذهبی، بنگرند. این امر رهبران گروهک فرقان را که دست آموز استکبار بودند را سخت برآشت. زیرا از یک سو جهان اسلام با روی کار آمدن جمهوری اسلامی شاهد تحول چشمگیری در بین مسلمانان بود و از سوی دیگر همدلی و انسجام برآمده در بطن فرق و مذاهب، در تضاد با سیاست های سازمانی گروهک نامبرده قرار داشت.

شهید مطهری که به عنوان یک اسلام شناس مورد قبول مذاهب اسلامی قرار گرفت، اهداف سازمانی گروهک فرقان را که دیکته شده استعمار پیر و سازمان اطلاعات مخفی بریتانیا (ام آی سیکس) بود، به چالش کشید.

مرحوم مطهری تلاش نمود توطئه استعمار را که ایجاد تفرقه و اختلاف در صفوف مسلمین بود را به فرصتی برای تحقق تقریب عملی تبدیل کند. موارد ذیل به برخی تاکتیک های علامه در تبیین و تحقق اتحاد اسلامی اشاره دارد.

الف. اتحاد عملی در کنار اتحاد قولی:

علامه مطهری معتقد است، اتحاد قولی تا به مرحله اتحاد عملی نرسد، جامعه اسلامی به نقطه ایده آل خود که نقطه اخوت و برادری است، نخواهد رسید. ایشان اضافه می کند: جامعه ای که عاری از وحدت عملی باشد علاوه بر آنکه در معرض تفرقه و اختلاف است، از دسیسه بدخواهان در امان نخواهد بود.

ب. وحدت اسلامی، نه وحدت مذهبی:

مرحوم مطهری بر این باور است؛ طراحان فکر عالی اتحاد اسلامی که در عصر ما مرحوم آیت اعلیٰ العظمی بروجردی(ره) در شیعه و علامه شیخ عبد المجید سلیم و علامه شیخ محمود شلتوت در اهل تسنن در راس آن قرار داشتند، به دنبال تحقق وحدت مذهبی نبودند. آنچه آن بزرگان در نظر داشتند این بود که فرقه های اسلامی در عین اختلافاتی که در کلام و فقه و غیره با هم دارند، به واسطه مشترکات بیشتری که در میان آنها هست می توانند در مقابل دشمنان خطرناک اسلام، دست برادری بدهند و جبهه واحدی تشکیل دهند. این بزرگان هرگز در صدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی که هیچ گاه عملی نیست، نبودند.

ج. تکیه بر مشترکات و توجه به مختصات:

شهید مطهری می نویسد: اخذ مشترکات اسلامی و طرد مختصات هر فرقه ای نوعی خرق اجماع مرکب است و محصول آن چیزی است که قطعاً غیر از اسلام واقعی است، زیرا بالاخره مختصات یکی از فریق جزء متن اسلام است و اسلام مجرد از همه این مشخصات و ممیزات و مختصات وجود ندارد. علامه مطهری ادامه می دهد: مفهوم اتحاد اسلامی که از یکصد سال اخیر میان علما و فضلاء مومن و روشنفکر اسلامی مطرح است به این معنا نیست که فرقه های اسلامی به خاطر اتحاد اسلامی از اصول اعتقادی و یا غیر اعتقادی خود صرف نظر کنند. آن ها نباید منتظر باشند تا فریق، مشترکات خود را بگیرند و مختصات خود را همه کنار بگذارند، زیرا این کار نه منطقی است و نه عملی.

د. عدم عقب نشینی از احکام خمس:

چگونه ممکن است از پیرو یک مذهب تقاضا کرد که به خاطر مصلحت حفظ وحدت اسلام و مسلمین، از فلان اصل اعتقادی یا عملی خود که به هر حال به نظر خود آن را جزء متن اسلام می داند صرف نظر کند؟ این به این معناست که از او بخواهیم به نام اسلام از جزئی از اسلام چشم بپوشد.

ه. تبادل معارف و شناخت پیروان مذاهب از یکدیگر:

آنچه مخصوصاً مرحوم آیت الله العظمی بروجردی بدان می اندیشید این بود که زمینه را برای پخش و انتشار معارف اهل البیت در میان برادران اهل سنت فراهم کند و معتقد بود که این کار جز با ایجاد حسن تفاهم امکان پذیر نیست. توفیقی که آن مرحوم در طبع برخی کتب فقهی شیعه در مصر به دست خود مصریان در اثر حسن تفاهمی که به وجود آورده بود کسب کرد، از مهمترین موفقیت های علمای شیعه است. به هر حال طرفداری از تز "اتحاد اسلامی" ایجاب نمی کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود. آنچه نباید صورت گیرد کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه های مخالف را بر می انگیزد، اما بحث علمی سر و کارش با عقل و منطق است نه عواطف و احساسات.

و. توجه به استعمار کهنه و استعمار نو:

مطهری بر این باور است که آنچه بر سر مسلمین آمد و باعث شد شوکت آنها گرفته شود و آنها را زیر دست و تو سری خور ملل غیر مسلمان قرار دهد، همین اختلافات فرقه ای است. ایشان ادامه می دهد:

استعمار، چه کهنه اش و چه نو، مهمترین ابزارش شعله ور ساختن این کینه های کهنه است. در تمام کشورهای اسلامی بلا استثناء دست افزارهای استعمار به نام دین و به نام دلسوزی برای اسلام دست اندر کار تفرقه میان مسلمین اند. علامه مطهری خطاب به جامعه اسلام می گوید: آیا آنچه تاکنون از این رهگذر کشیده و چشیده ایم کافی نیست که باز هم ادامه دهیم؟ آیا طرح اینگونه بحث ها کمک به هدف های استعماری نیست؟

ز. روشنگری در مقابل منکران اتحاد اسلامی:

در نگاه علامه مطهری نیاز مسلمین به اتحاد و اتفاق، از مبرم ترین نیازهاست و درد اساسی جهان اسلام همین کینه های کهنه میان مردم مسلمان است. دشمن همواره از رویکرد مخالفان برای آسیب رسانی به اتحاد مسلمین استفاده می کند. اما به خاطر اینکه طیفی از اعتراض کننده به مفهوم اتحاد و وحدت اسلامی، نا آگاه به حقیقت آن اند، روشنگری و رفتار عملی مناسب با مسئله مزبور، کمک شایانی در این رابطه خواهد کرد.